

متن پرسش

سلام استاد: خدا قوت. کی میشه که انسان بشینه و با خدا حرف بزنه؟ کی میشه که انسان بشینه و مشکلاتش رو با خدا در میون بگذاره و بگه که برام حلش کن؟ مباحث مناجات التائبین را پیگیر بودم؛ دو سه تا مسئله جدی دارم. یکی اینکه حرف زدن با خدا خیلی برام سخته، اصلا مناجات نمیتونم بکنم، البته قبلا اینجور نبود؛ خیلی راحت انس می‌گرفتم و با خدا مناجات می‌کردم و اشکم سرازیر بود، احتمالا مربوط به چشم‌هام هستش که کنترلش برام سخت شده و از قبل سخت بوده. دوم اینکه در جلسه‌های چهارم و پنجم هستش که یه کم درمورد غضب صحبت می‌کنید؛ بنده چنین جهنمی که ارزش صحبت می‌کنید در درونم هست، به شدت هم هست طوری که حال از کل عالم و آدم به هم میخوره، و هر بار با کوچکترین مسئله و حرف به شدت شعله‌ور میشه، ولی نمیتونم ارزش آزاد بشم و اصلا نمی‌فهمم چرا اینجور هستش و از طرف دیگه نمیتونم با خدا حرف بزنم و این مسئله رو باهاش درمیون بزارم. اصل حرفم این مسئله است، که من اصلا هیچی متوجه نمی‌شم؛ اصلا حرف زدن با خدا رو نمی‌فهمم و خیلی از مسائل دیگه. چنان شهوت و غضبی بر من حاکم است که نه صبحی دارم و نه شبی. کاملا پوچ و بی‌فایده خودم رو حس می‌کنم. بنده مباحث آشتی با خدا و ده نکته و از برهان تا عرفان رو چندین مرتبه و به صورت مباحث دنبال کردم، نمیدونم چرا نمیشه؛ نمیونم چطور باید آزاد بشم استاد؟ اصلا از مطالعه برای من کاری میاد؟ با خودم درگیرم، با خانواده درگیرم و اصلا نمیدونم چیکار کنم؛ حس می‌کنم هر چی تلاش می‌کنم و دست و پا می‌زنم بیشتر فرو میرم. ممنون که حرف‌های بنده رو می‌شنوید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله راه ارتباط با قرآن برایتان گشوده شده است. پیشنهاد بنده آن است که به روشی که در جزوه‌ی «روش کار با المیزان» مطرح شده، ورود بفرمایید. موفق باشید